

حول خواست تحصیل رایگان دست به مبارزه متحدانه بزنید!

نسان نودینیان

اول مهر در راه است. خانواده های محصلین و کودکان مشغول ثبت نام و اسم نویسی هستند. اولین مساله برای هزاران خانواده کارگری و زحمتکش پرداخت مبالغ قابل توجهی است که توسط مسئولین مدارس از اولیای دانش آموزان گرفته میشود. گرفتن این مبالغ ظاهرا شهریه نام ندارد بلکه تحت عنوان جبران کمبود بودجه مدارس نام دارد.

از همین روزهای قبل از مهر ماه ما شاهد اعتراض و ناراضیاتی هزاران خانواده ای هستیم که توان پرداخت مبالغی که باید بدهند، هستیم.

زندگی و معیشت مردم زیر بار پایین بودن حقوق ها و در اثر بیکاری طولانی مدت، فلج شده است. اکثریت قیاب به اتفاق مردم توان تامین و پرداخت هزینه هاییکه توسط مسئولین مدارس پیشنهاد میشود را ندارند. محرومیت کودکان و نوجوانان از تحصیل بالا است. در استان کردستان قابل توجه است. نباید بگذاریم فرزندان ما از تحصیل و رفتن به مدرسه محروم شوند.

راه حل نجات کودکان از محرومیت تحصیلی مبارزه ای است که امروز باید به ثمر برسد، و خواست تحصیل رایگان تحقق پیدا کند. اعتراضات سراسری

معلمان در سال ۹۵ و ۹۶ پرچم خواست "تحصیل رایگان" را بلند کرد. این خواست امروز مورد توجه قرار گرفته و به شعار اعتراض طبقاتی کارگران و معلمان تبدیل شده است. تحصیل رایگان در ایران ممکن و عملی است، مهم این است یک جنبش وسیع توده ای و اجتماعی با حضور آکتیویستهای علنی که موتور محرک و پیشبرنده این خواست شوند، سازماندهی شود. مادام محرومیت از تحصیل در اثر فقر و پایین بودن دستمزدها و هزینه های معیشتی است، مادام که اعتراض و مبارزه علیه فقر و پایین بودن حقوق و دستمزدها شکل روتین و گسترده ای را بخود گرفته است، زمینه های مساعدی برای جمع کردن خانواده های دانش آموزان وجود دارد. جنبش برای تحصیل رایگان مساله ای آشنا است، میلیون ها نفر از مردم از محرومیت تحصیلی فرزندانشان نگران و ناراضی هستند. میلیون ها نفر زیر خط فقر زندگی میکنند و میلیونها نفر خواهان ادامه تحصیل فرزندانشان هستند، اینها فاکتورهای مساعد و مادی برای سازماندهی این جنبش است، جنبشی که میتواند در برگیرنده چند میلیون خانواده و جوانانی باشد که به ادامه تحصیل کودک و جوان محروم از تحصیل فکر میکنند.

جالش تحصیل رایگان مهمترین عرصه درگیری مردم در صفحه ۲

فاشیسم عربیان جمهوری اسلامی! اعتراض مردم و عقب نشینی مفتضحانه حکومت!

حزب کمونیست کارگری ایران

لهجه غلیظ و غیر قابل تغییری که مانع تلفظ برخی حروف فارسی مثل چ، گ، ژ، ق شود!

اینها فقط بخش کوچکی از لیست بلندبالای "بیماریها و نقص اعضا" هستند که توسط متخصصین پزشکی سادیست حکومت اسلامی در ضوابط ۵۰ صفحه ۲

زودرس یا دیر رس، سابقه جراحی رحم، سرطان سینه، میگرن شدید! کوتاهی یک پا بیش از ۱۰ سانتیمتر!

کمتر بودن تعداد دندانها از ۲۰ عدد! آسیب اعصاب صورت که منجر به "کراحت منظر" شود! جراحی دریچه قلب و سنگ کلیه!

وزارت آموزش و پرورش حکومت اسلامی اخیرا ضوابط استخدام معلمان در حکومت اسلامی را اعلام کرد. موارد زیر فقط گوشه هایی از ضوابط اعلام شده هستند که قرار است بر طبق آنها انسانهای شریف این جامعه از کار در شغل معلمی محروم شوند: اختلالات زنانگی و پریدو، ناباروری، موهای زاید صورت، بلوغ

در مورد واقعه "باله کایه تی" در کردستان عراق

محمد آسنگران

به دنبال این واقعه مقرر چهار جریان مسلح حزب دمکراتها و کومله ها به آتش کشیده شده است و نیروهای مسلح آنها ناچار به دور شدن از آن منطقه شده اند. در این درگیری تعدادی از نیروهای مسلح این جریانات اسیر و تحویل اتحادیه میهنی داده شده اند. چنین وقایعی تقریبا روزمره و هر از چندگاهی در مناطق مختلف بوسیله احزاب حاکم

منتشر شده آنچه اتفاق افتاده است چنین گزارش شده است: نیروهای مسلح سازمان زحمتکشان دو نفر از اهالی روستایی به اسم "گونده ژور" را کشته و دو نفر دیگر را زخمی کرده اند. آنها اعضا اتحادیه میهنی کردستان عراق بوده اند. در نتیجه اعتراض این افراد به حضور سازمان زحمتکشان در این منطقه و خسارت به باغات خود جدالی درگرفته و مورد تیراندازی قرار گرفته اند.

کشته شدن دونفر در مناطق مرزی ایران و عراق در منطقه ای به اسم "باله کایه تی" بوسیله نیروهای مسلح سازمان زحمتکشان، احزاب و میثیای این منطقه را به عکس العمل وا داشته است. این واقعه جدال و کشمکش احزاب مستقر در این منطقه را با اتحادیه میهنی برجسته کرده است. طبق اخبار

مرگ یک مهره منفور سیاسی

صفحه ۳

اصغر کریمی

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نودینیان

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

عزیزه لطف الهی

فقط بخاطر ۲۵۰ هزار تومان

صفحه ۶

ابوالفضل جلیلود

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **فاشیسم عریان جمهوری اسلامی..**

صفحه ای وزارت آموزش و پرورش این حکومت ردیف شده اند! اما از حکومتی که بنیادش بر انواع تبعیضها، تبعیض طبقاتی، جنسی، نژادی، سیاسی، عقیدتی و غیره استوار است، از حکومتی که زن بودن نزد آن جرم است، حکومتی که کودکان افغانستانی را به جرم اینکه پدرشان متولد کشور دیگری است، از داشتن شناسنامه و امکان تحصیل محروم کرده و دسته جمعی آنها را مجازات می‌کنند و شهردارهایش ورود شهروندان افغانستانی به پارکها را ممنوع می‌کند، انتظاری جز اعلام اینگونه ضوابط بیمارگونه فاشیستی نیست.

این یک فاشیسم عریان است که اینبار به جای هیتلر و موسولینی و تبهکاران فاشیست و ناسیونالیست قرن بیست، از لجنزار حکومت اسلامی در قرن بیست و یک بیرون زده است. در ایران اما یک جنبش وسیع و قدرتمند برابری طلب و آزادیخواه در جریان است که حکومت فاشیست اسلامی را ناگزیر کرد فوراً عقب نشینی کند و دست از پا درازتر به لانه هایش برگردد!

جوانان و زنان و مردم مدرن، پیشرو، آزادیخواه و برابری طلب جامعه ایران آنچنان قدرتمند و فوری این ضوابط فاشیستی و مالیخولیایی را به تمسخر گرفتند که سران حکومت اسلامی مجبور شدند آنرا فوراً از سایتها بردارند. طوری که در فاصله یک روز از اعلامش فقط ۵ صفحه از فایل ۵۰ صفحه‌ای فاشیستی در سایت

حکومت را همراه با قوانین و مقررات و ضوابط اسلامی و فاشیستی اش از جامعه ایران جارو کند و بر روی ویرانه هایش جامعه ای سازمان دهد که جایی برای یک مشت مفتخور عقب مانده و فاشیست که بتوانند خون مردم را در شیشه کنند باقی نماند، که جایی برای دخالت مذهب در دولت و آموزش و پرورش باقی نماند که بجای مجازات شهروندانی که از آسیب های فیزیکی و روحی رنج می‌برند و به جای تحقیر و مجازات آنها، بیشترین امکانات را برای کار مناسب و یک زندگی انسانی فراهم کند. جامعه ای که در قبال تک تک شهروندانش مسئول است و با از بین بردن استثمار و مفتخوری یک قشر اقلیت، امکان رفاه و یک زندگی انسانی توأم با منزلت و احترام را فراهم کند.

اعلام ضوابط فاشیستی توسط جمهوری اسلامی، واکنش سریع و قدرتمند اعتراضی مردم و عقب نشینی فوری و مفتضحانه حکومت نشانه روشنی از این حقیقت است که جامعه ایران به کمتر از سرنگونی حکومت فاشیست اسلامی رضایت نمیدهد و با تمام قوا خود را برای به گور سپردن آن آماده میکند.

زنده باد آزادی، برابری،
حکومت کارگری!
سرنگون باد
حکومت فاشیست اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ شهریور ۱۳۹۶
۲۶ اگوست ۲۰۱۷

از صفحه ۱ **حول خواست تحصیل رایگان..**

سطح میلیونی با رژیم استبداد اسلامی در ایران است. این سطح از مبارزه را باید جدی گرفت، افشاگری بودجه های میلیاردری و بیلبونی برای صرف در جنگ در جبهه اسلام سیاسی و حضور نظامی و لجستیکی در منطقه در سوریه و عراق و لبنان و... به اندازه کافی آشنا و در دسترس است، افشای جنایتهای اقتصادی و غارت زندگی مردم برای تقویت اسلام سیاسی و آدمکشان تروریست اسلامی تا ابدالدهر درد و رنج مردم را جواب نمیدهد، مهم راه حلی است که از میان اعتراض اجتماعی و طبقاتی جامعه برخاسته میشود.

چالش تحصیل رایگان با به میدان آمدن فعالین این عرصه که خانواده های ناراضی و معترض به وضع تحصیلی فرزندانشان هستند، عملی است. جبهه وسیع و فعال اعتراضات معلمان و کارگران هم اکنون برای اجرا و عملی شدن این خواست در میدان است. در بیشتر اعتراضات آنها خواست تحصیل رایگان برافراشته شده است. مهم این است این خواست به خواست میلیونی در سازمان جنبش برای تحصیل رایگان ابراز وجود بکند.

۹ شهریور ۱۳۹۶
۳۰ اوت ۲۰۱۷

تحصیل رایگان
حق همگان!

آموزش عمومی اجباری و رایگان تا سن ۱۶ سالگی
آموزش عالی رایگان و در دسترس برای همه متقاضیان



آموزش حق همه است و دسترسی افراد به آموزش و دوره های آموزشی باید کاملاً از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.

W/P1

اعلام ضوابط فاشیستی توسط جمهوری اسلامی، واکنش سریع و قدرتمند اعتراضی مردم و عقب نشینی فوری و مفتضحانه حکومت نشانه روشنی از این حقیقت است که جامعه ایران به کمتر از سرنگونی حکومت فاشیست اسلامی رضایت نمیدهد و با تمام قوا خود را برای به گور سپردن آن آماده میکند.

باید حقوق مقامات و مدیران جمهوری اسلامی به جامعه اعلام شود!

W/P1

مرگ یک مهره منفور سیاسی



اصغر کریمی

سلطنتی را نچشیده بودند، بخوراند. نه کسی میشناختن از نه اعتباری در هیچ قشری از جامعه داشتند، اینها رابط دول غربی با خمینی بودند، نقش شان را در اوان شکل گیری این ماشین جنایت انجام دادند و زمانی که حکومت دیگر به آنها نیازی نداشت، یکی را به اتهام کودتا اعدام کرد، یکی دیگر را علیه اش کودتا کرد و سومی یعنی یزدی را که از آنها خوش خدمت تر بود مغضوب خود ساخت.

مردمی که در تمام این ۳۹ سال یک روز طعم زندگی راحت را نچشیده اند امثال این سه نفر را که به وقت خودش مردم آنها را بر اساس حرف اول فامیلشان مثلث بیق مینامیدند، برای همیشه لعن و نفرین خواهند کرد.

۲۸ اوت ۲۰۱۷

ابراهیم یزدی که در ماههای قبل از قیام ۵۷ نقش قابل توجهی در بزرگ کردن خمینی داشت درگذشت. او و ابوالحسن بنی صدر و صادق قطب زاده در دوره ای که جامعه ایران زیر بار یک حکومت آخوندی و مذهبی نمرفت، بعنوان سه غیر معمم فکول کراواتی، مانند یک تسمه نقاله حکومت اسلامی را به مردم تحمیل کردند تا حکومت افراد واجد شرایط تری را بجای آنها آماده کند.

ابن الوقت هایی حاضر و آماده، چهره هایی بی نام و نشان، مشاورینی در نقش پادوهای حقیر، لجن هایی در نقش آرایشگر رهبر اسلامی، بی هویت هایی که معلوم نبود از کدام پستو سر بیرون آورده بودند، دور خمینی را گرفتند تا رسانه ای مثل بی بی سی را به بلندگوی او تبدیل کنند و او را از آخوندی گمنام تر از خود آنها بعنوان رهبر انقلاب به مردمی تشنه رفاه و حرمت و آزادی، مردمی که شصت سال در حکومت های پهلوی حتی طعم یک روز آزادی و یک روزنامه غیر

از صفحه ۱ در مورد واقعه "باله کایه تی" در کردستان ..



محمد آسنگران

عضو آنها بوده و ساکت نخواهد بود. احزاب حکمتیست خط رسمی و غیر رسمی هم تلاش کرده اند مدافع همان دونفری باشند که اتحادیه میهنی آنها را کادر و عضو خود اعلام کرده است.

صورت مسئله چیست

واقعیت این است تحرك تازه در یکی دو سال گذشته از جانب چهار جریان ناسیونالیست کردستان ایران یعنی دو شاخه حزب دمکرات و دو شاخه کومله و استقرار تعدادی از پیشمرگان این جریانات در مناطق مرزی محصول تحولات سیاسی منطقه ای بود. آنها با چراغ سبز بارزانی و اشاره عربستان به این مناطق رفتند. در متن اوضاع سیاسی و بحران خاورمیانه وارد بازی اخیر شده اند و اتحادیه میهنی و جمهوری اسلامی که در یک کمپ قرار دارند از این تحرك دل خوشی نداشتند. استقرار جریانات مسلح کردستان ایران در مناطق مرزی نوعی برتری جریان بارزانی را نسبت به بقیه احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق و منطقه را نشان میداد و تمام جریانات کمپ جمهوری اسلامی از جمله اتحادیه میهنی را به فکر انداخت که راه چاره ای بیابند.

اولین راه چاره توپ باران این منطقه بوسیله جمهوری اسلامی بود. همین مسئله بهانه ای شد اقدام بعدی آغاز بشود. تحريك ساکنین این منطقه بوسیله جمهوری اسلامی و اتحادیه میهنی علیه حضور این احزاب نقطه پایانی بر حضور آنها در این منطقه مرزی و به آتش کشیدن مقرهای آنها بود.

در چنین بستر و جدالی کسی که تنها سازمان زحمتکشان را محکوم میکند ناخود آگاه نوعی مشروعیت به سیاست اتحادیه میهنی و جمهوری اسلامی داده است. دفاع از سازمان زحمتکشان و مقابله با سیاست و عوامل جمهوری اسلامی هم مشروعیت دادن به سیاست بارزانی و قطب عربستان سعودی است. آنچه یک نیروی مسئول و آگاه باید انجام بدهد این است که هر دو قطب را نامشروع و علیه منافع مردم معرفی کند. زیرا بر بستر جدالی منطقه ای و اختلاف منافع سیاسی این جریانات با همدیگر

بر کردستان عراق اتفاق افتاده و هیچ موردی این چنین در میدیای رسمی و شبکه های اجتماعی برجسته نشده است.

بعد از این وقایع احزاب کردستان ایران مستقر در کردستان عراق و اتحادیه میهنی رسماً اعلام موضع کرده و هر کدام از منظر خود به بررسی این موضوع پرداخته اند. اما اهمیت این مسئله و حساسیت نسبت به آن نه به دلیل درگیری مورد بحث بوده نه به دلیل دفاع از حقوق ساکنین آن روستا، بلکه به دلیل سیاست و رویکرد هر کدام از احزاب مورد بحث در مورد وقایع منطقه و نقش جمهوری اسلامی است. کسی که اصل موضوع یعنی جدال منطقه ای و سیاست این احزاب را نبیند و بستر سیاسی این مسئله را نبیند و فقط به این واقعه مذکور بپردازد دچار همان سرگردانی و موضوع غلطی خواهد شد که این جریانات و تعدادی از جریانات چپ در مورد کوربانی و شوراها خیالی در کردستان سوریه شدند.

احزابی که تا کنون در این مورد اعلام موضع کرده اند هیچکدام نخواستند و یا نتوانسته اند اصل مسئله را ببینند و سیاست خود را در مورد آن بیان کنند. به همین دلیل سازمان زحمتکشان از موضع ضعف و زبونی تلاش میکنند موضوع را به هر شکل ممکن خاتمه بدهد و مقصر را نه سیاست خود بلکه چند پیشمرگ معرفی کند و با قربانی کردن احتمالی آنها خود را از مهلکه نجات بدهد. سازمان کردستان حزب کمونیست ایران نوشته است کومله ما نبود، کومله دیگری بوده است. احزاب دمکرات به دلیل نزدیکی سیاسی خود به سازمان زحمتکشان هم گفته اند ما نبودیم، اما کم و بیش مثل سازمان زحمتکشان اعلام موضع کرده اند. اتحادیه میهنی با تهدید اعلام کرده است کشته شدگان آن واقعه کادر و

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک ملی:

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۵۸۳۳۵۷۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
۴۵۰۰ Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FIVIN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Baine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # HOFAUS3N

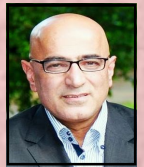
شماره حساب انگلیس و ژده کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
سیامک بیاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

چنین واقعه ای رخ داده است. آنچه مردم کردستان باید بدانند این است که هیچکدام از طرفین این جدال حقانیتی ندارند. در راس این جدال منطقه ای عربستان سعودی و جمهوری اسلامی و عوامل اجرایی آنها در حکومت اقلیم کردستان قرار دارند. بنابر این نه آن چهار نفر کشته و زخمی مردم عادی روستا بوده اند و نه این جریانات سیاسی درگیر احزابی مسئول و قابل دفاع هستند. منافع مردم در گرو افشای این جدال نیابتی و ماهیت سیاسی قومپرستانه و نوکر منشی همه آنها است. جریانات چپی که خود را به ظاهر مدافع حقوق افراد روستای "گونده ژور" قلمداد کرده اند یا بی اطلاع از این وقایع و بستر شکل گیری این جدالها هستند یا محدودنگرانه و غیر سیاسی وقایع را دیده اند.

این واقعه مینیاتوری از یک سیاست بزرگتر است که کل منطقه را با بحران بزرگی مواجه کرده است و کلید حل آن و برون رفت از آن فقط کار طبقه کارگر و نیروهای کمونیستی است که تمام تصویر را میبینند و راه نشان میدهند. این مسائل یک بار دیگر نشان داد که جریانات سیاسی فوق از چه منظری تحولات سیاسی منطقه را میبینند و چه نوع بازبرگرائی هستند. متأسفانه همه اینها دیروز مدافع بدون کم و کاست سیاست جریان ناسیونالیستی حاکم در کردستان سوریه بودند و امروز با دیدن سیاست پرو امریکایی آنها فقط سکوت کرده اند. دریایان لازم است بگویم شکلگیری دو قطب این جدال در کردستان عراق تازه نیست اما تقابل آنها بشکل کنترل شده وارد فاز خطر ناکتری شده است. هیچکدام از طرفین این جدال حقانیتی ندارند. آنچه باید امروز تحت فشار قرار گیرد و افشا شود بی لیاقتی و نوکر صفتی همه این جریانات درگیر در کردستان عراق است که هر کدام در خدمت به یکی از قطبهای منطقه ای چنگ و دندان به همدیگر نشان میدهند.

۷ شهریور ۹۶
۲۹ اوت ۲۰۱۷



نسان نودبینان

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات
هفته از شهرهای کردستانقاتل مصلح حسینی
حکومت اسلامی است

خبر: بامداد پنجشنبه دوام شهریورماه ۹۶، ۲۴ اوت ۲۰۱۷ مأموران شهرداری منزل مسکونی درحال ساخت در سنندج را آتش زدند. شاهدان عینی میگویند: ۳ تن از مأموران شهرداری با ریختن بنرین به روی ساختمان اقدام به آتش زدن این منزل مسکونی کرده و فرار کردهاند.

این حادثه در میدان نبوت، خیابان لاله، کوچه بابایی روی داده است.

به گفته شاهدان عینی، در این حادثه، مصلح حسینی کارگر ساختمانی دچار سوختگی ۷۰ درصد میشود!

طبق اخبار منتشر شده در تلگرام و سایتها با تاسف فراوان مطلع شدیم که مصلح حسینی جان خود را از دست داده است!

حمله مأمورین مزدور شهرداری سنندج ادامه سیاست و فشارهایی است که جمهوری اسلامی علیه ساکنین و مردم شهرها پیش گرفته است، انجام شده.

حمله به محل سکونت مردم به هر بهانه ای محکوم است.

حکومت اسلامی مسئول قتل مصلح حسینی است!

ما مردم سنندج را به اعتراض خیابانی علیه فشار و کنترل هایی که اخیرا در شهر سنندج پیش گرفته است، فرا میخوانیم.

در مراسم گرامیداشت مصلح حسینی کارگر ساختمانی وسیعا شرکت کنید.

مراسم گرامیداشت را با اعلام کیفرخواست و در محکومیت مرگ مصلح حسینی در کنار خانواده او برگزار کنید.

سرنگون باد رژیم جنایتکار اسلامی حاکم بر ایران

کولبران در پیرانشهر دست به
تجمع و بستن جاده زدند

روز ۴ شهریور کولبران در پیرانشهر با خواست بازگشایی معبر مرزی که حدود دو ماهی است

سالمها صرف تحصیل ما شده، را بکنیم. اما هیچ کاری نیست؟ آیا کسی که محتاج نباشد، به چنین کار شاق و پر زحمتی پناه می آورد؟!

یکی از پاسدارها با اسلحاحش ضربه محکمی به قفسه سینماش کوبید و من را نقش بر زمین کرد. نفسم بند آمد، جلو چشمانم تاریک شد و در دل خود گفتم که خفه میشوم... یکی دیگر با پا کوبید به سر دوستم که از شدت درد روی زمین افتاده بود و گفت اگر یک بار دیگر از این بلبل زبانیها بکنید، با کشیدن ماشه مانند آشغالهای دیگر(منظورش کولبران کشته شده بود) می فرستمستان جهنم... بعد آمدن و پیشنهاد کار دادند!

گفتند اگر بسیجی یا پاسدار بشوید هم حقوق خوب می گیرید و هم تو جامعه اعتبار و احترامی برای خود کسب می کنید. ما هیچ کدام این پیشنهاد را قبول نکردیم و گفتیم که خانواده از ما قبول نمی کند.

با شنیدن این جواب، فحش خواهر و مادر و همسر به همراه ضرب و شتم باریدن گرفت... گفتند که اول خانوادههای آشغالان را می ک... آخر سر گفتند که باید برایشان در بین کولبران جاسوسی کنیم... وقتی با جواب منفی ما روبرو شدند، از ما تعهد گرفتند که کولبری نکنیم، وگرنه اگر این دفعه دستگیر بشویم به هر چهار نفرمان به شکل دسته جمعی و نوبتی تجاوز جنسی می کنند و!...

گفتن اگر باور نمی کنید، از همکارانتان بپرسید که این کارو عملی کردیم یا نه! بعد همه با هم زدن زیر خندههای وحشیانه و داستان تجاوزها را به کولبران، برای همدیگر تعریف می کردند....

کاک... اینهایی که گفتم عین واقعیت است و اتفاقی بود که برای شخص خودم پیش آمده چند هفته پیش. دوستان دیگر هم حتما برایت چیزهای دیگر و این داستان را هم تعریف می کنند... اسم همه ما، کولبرانی که دستگیر و بازداشت شدهاند را در لیست بلند بالای ثبت کردند. خودشان می گویند، بار اول کتک و جریمه نقدی و مصادره بار (کالا) بار دوم زندان و "سواری گرفتن" از زیر سنبهها منظورشان تجاوز است، به علاوه مجازات بار اول... کاک... جلو چشم کاسبکاران اسب و قاطرانشان را می

کشند... ما دیدیم که خودشان مزارع و جنگلها را آتش زدهاند و مانع خاموش کردن آنها شدهاند... ما شبها هم خواب راحتی نداریم از بس پلیدیها و وحشیگریهای حیرت‌انگیز دیده‌ام... ما آماده‌ایم برای هر کاری که بتواند این متجاوزان و غارتگران را نابود کند... ما می دانیم که روزی از یکی از این روزها با گلوله نیروهای قاتل جمهوری اسلامی کشته خواهیم شد، اما ترجیح می دهیم به مانند کولبر کشته شویم، تا اینکه جاش و بسیجی و جاسوس بشویم...

محمود صالحی:

کارگران؛ بیمه شدگان.

بنابه اخبار پخش شده از کانال فرماندار شهر سقز؛ قرار بود روز پنجشنبه مورخ ۲/۶/۹۶ علی ربیعی وزیر وزارت تعاون؛ کار و رفاه اجتماعی به شهرستان سقز بیاید تا کلنگ توسعه بیمارستان سازمان تامین اجتماعی را بزند. نکته جالب این است که سازمان تامین اجتماعی با سرمایه ما کارگران و بیمه شدگان تاسیس شده و دولت با توجه به اظهارات مسئولان سازمان میلیاردها تومان به سازمان بدهکار هستند. اما وزیر جهت کلنگ زنی بیمارستان به سقز تشریف می آورد.

آقای وزیر:

به جای اینکه افتخار کلنگ زنی

بیمارستان تامین اجتماعی را که یک سازمان عمومی و غیر دولتی است نصیب خود کند، لطفاً بدهی سازمان را پرداخت کنید.

به نظر ما آقای وزیر باید به اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان سقز مراجعه کند و بلان فعالیت آن مرکز را بررسی کند. وقتی به بلان آن اداره رسیدگی کرد، آن وقت متوجه خواهد شد که انجمنهای کارگری و تعاونی های مسکن به بخش خانوادگی تبدیل شده و سالهاست که هیچ گونه مجمع عمومی و یا انتخاباتی در آن (به اصطلاح) تشکیل ها صورت نگرفته است.

سؤال از آقای وزیر این است؟ مگر وزارت شما برای کلیه انجمن ها و تعاونی های مسکن يك نوع اساسنامه تدوین نکرده است؛ آیا به آن اساسنامه ها که خود تدوین کننده آن هستید، اعتقاد دارید؟ اگر جواب مثبت است، چرا سرپرست اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان سقز آن را اجرا نمی کند؟! مگر به استناد اساسنامه تدوین شده و تحمیلی هر انجمن و یا تعاونی مسکن موظف نیستند که هر سال يك بار مجمع عمومی تشکیل دهند و گزارش عملکرد خود را به استحضار اعضا برسانند!!



دیگر پس است!
ما بیش از این تحمل نخواهیم کرد.



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی

چشمهای زندانی سیاسی زینب جلالیان روز به روز ضعیف تر میشوند

روز جمعه ۳ شهریورماه ۹۶ سازمان ملل با انتشار بیانییه‌یی، نسبت به وضعیت سلامتی زندانی سیاسی زینب جلالیان، ابراز نگرانی کرد. این زندانی سیاسی محکومیت حبس ابد خود را در زندان خوی به سر می برد، نیاز فوری برای دسترسی به متخصص چشم دارد زیرا چشمهای روز به روز ضعیف تر میشود.

به گزارش عفو بین الملل زینب جلالیان، ۳۵ ساله، که نیاز به معالجات پزشکی دارد از فروردین ماه گذشته در اعتصاب دارو به سر می برد و از پذیرش هرگونه دارویی خودداری می کند. عفو بین الملل خواستار دسترسی فوری زینب جلالیان به معالجات پزشکی و جراحی چشم در خارج از زندان شده و مخالفت با مداوای او را مصداق شکنجه دانسته است.

فرزانه جلالی فعال حقوق زنان و کودکان و مزاحمت‌های اداره اطلاعات کرمانشاه

فرزانه جلالی، فعال حقوق زنان و کودکان طی ماههای اخیر بارها از سوی اداره اطلاعات کرمانشاه احضار و بازجویی شده است. مصطفی احمدیان، وکیل فرزانه جلالی گفت "احضارهای موکلبه شکل غیرقانونی و به صورت شفاهی صورت گرفته و حال روحی موکلبه پس از این بازجویی‌ها مساعد نیست"

مصطفی احمدیان افزود: من از ایشان خواستم تا زمانیکه احضاریه کتبی یا طبق موازین دادرسی الکترونیک رعایت نشود توجهی به احضارهای تلفنی نکنند. موکلبه از جهات دیگر هم تحت فشار است که من از نظر حقوقی اجازه صحبت درباره اش را ندارم.

مصطفی احمدیان افزود، برای پرونده فرزانه جلالی قرار غیرقانونی عدم دسترسی به پرونده صادر شده و به همین دلیل او هنوز از محتویات

بازار پوشاک ابلاغ شده، آمده است "شلوار پاره و ماتتوی بدون دکمه در شان پوشاک ایرانی نیست؛ لازم باشد نیروی انتظامی وارد می شود.

این روزنامه افزود که ابوالقاسم شیرازی رئیس اتحادیه پوشاک ایران با اعلام این خبر، افزود "مدهایی مانند شلوار پاره و ماتتوی بدون دکمه در کشور ما جایی ندارند. ما کاری به کشورهای خارجی نداریم و مدهای موجود باید در شان یک مسلمان و ایرانی باشند"

در همین راستا، حمید قبادی دانا، دبیر کارگروه ساماندهی مد و لباس ایران می گوید "این آیین نامه با احترام به موضوع تکشر و خلاقیت تدوین شده و قرار نیست تنوع را در بازار پوشاک کاهش دهد" به گفته قبادی دانا، این آیین نامه از ابتدای سال جاری در دست اجرا قرار گرفته است.

بنا بر این گزارش، تولیدکنندگان و فروشندگان پوشاک اما اصلا از شنیدن این خبر خوشحال به نظر نمی رسند. عابد یکی از تولیدکنندههایی است که به روزنامه شهروند می گوید "آنگذر در راه تولید و عرضه پوشاک زنانه سنگ اندازی کردند که ما عطایش را به لقایش بخشیدیم و حالا فقط لباس مردانه تولید می کنیم"

او ادامه داد: "امثال من همیشه سر دوراهی قرار دارند. پوشاک غیر متعارف نیاوریم، فروش واحد صنفی تا حد قابل توجهی کاهش پیدا می کند، بیاوریم در یک حرکت

ضررتی مغازه پلمپ می شود.

خودکشی دختر ۲۳ ساله بدلیل تعرض کارفرما

روز شنبه ۲۸ شهریور دختر ۲۳ ساله در دزفول به دلیل تعرضی که از طرف کارفرما به وی شده بود، تصمیم به خودکشی گرفت و با خوردن قرص اقدام به خودکشی نمود که خوشبختانه با اقدام به موقع خانواده و دوستانش نجات پیدا کرد.

خودکشی در میان زنان و دختران کشور آنچنان رواج پیدا کرده است که بر اساس آمار، زنان ایرانی بالاترین رتبه خودکشی در خاورمیانه و رتبه سوم را در جهان دارند.

خود حکومت این معضل را "سونامی خودکشی" می نامد. دلیل این آمار بالا داشتن بیشترین سهم سرکوب و تحقیر است که توسط حکومت بر زنان قانونی شده است. زنانی که کمترین سهم کار و درس خواندن را دارا میباشند. زنانی که روزانه با گشت‌های مهاجم منکر در خیابان تحقیر میشوند تحت فشار قرار میگیرند.

زن ۷۳ ساله در تاریکی شب اسیدپاشی شد

بنا به گزارشات منتشر شده یک زن ۷۳ ساله در غرب تهران مورد جنایت اسیدپاشی قرار گرفت و به شدت مجروح شد. این زن سالخورده شب هنگام پس از خروج از مطب پزشک در حالی که عازم منزلش بود مورد حمله دو مرد

موتور سیکلت سوار قرار گرفت و اسیدپاشی شد.

هنوز از انگیزه این جنایت که بر این زن سالخورده انجام شده اطلاعی در دست نیست اما با توجه به موارد متعدد اسیدپاشی علیه زنان و دختران در شهرهای مختلف و عدم پیگیری آنها از طرف مراجع دولتی اتفاق نظر بر این است که این جنایت توسط آتش به اختیاران بسیج و لباس شخصی تحت حمایت انجام میشود.

دختر ۱۷ ساله هندی در خیابان زایمان کرد

رسانه‌های محلی در هند گزارش داده‌اند که یک دختر ۱۷ ساله پس از آنکه خانواده‌اش متوجه شدند باردار است او را طرد کردند و این دختر در خیابان زایمان کرد.

این دختر نوجوان در کنار جاده‌ای در چندل؛ شهری در ایالت جارخند در شرق هند زایمان کرد. گفته می‌شود او فقط ۱۰۰ متر با یک مرکز سلامت فاصله داشته است.

ویدیوهایی که ظاهرا به صورت آنلاین منتشر شده است، این دختر را در حالی نشان می‌دهد که با کودکش روی زمین نشسته و ماشین‌ها و موتورها از کنارش عبور می‌کنند.

در این تصویر کودک تازه به دنیا آمده که بند نافش هنوز جدا نشده بین لباس مادرش پیچیده شده و گریه می‌کند.*



علیه تبعیض

فقط بخاطر ۲۵۰ هزار تومان

ابوالفضل جلیوند

مردی سبزه رو با موهای جوگندمی که مقابل میز معاون آموزشی نشسته و رو به معاون داشت، با لبخندی دوستانه پرسید: چقدر باید تقدیم کنم؟ معاون که تا این لحظه مشغول به کاری با رایانه قدیمی مقابلش بود، سر بلند کرده و با لبخند پاسخ داد:

۲۵۰ هزار تومان.

مرد سبزه رو پس از شنیدن مبلغ در حالیکه اخم هایش در هم رفته بودند ابتدا نگاهی پرسشگر و متعجب به جوانکی که کنارش نشسته بود انداخته و سپس پرسید: رو به معاون کرده و گفت: شوخی می کنید؟

معاون آموزشی با خنده پاسخ داد: نه چه شوخی؟ پارسال ۲۰۰ دادید امسال باید ۲۵۰ بدهید که ۱۰۰ هزار تومانش هزینه کتاب و لباسه.

مرد که حالا خنده از سیمایش محو شده بود، با ناراحتی گفت: «ندارم، از کجا بیارم».

معاون آموزشی که اینک لبخند از سیمای او هم رخت بر بسته و نگاهی ناراحت و دلسوز جای آن را گرفته بود با شرمندگی گفت: ما هم چاره ای ندارم، سال گذشته کل سرانه ای که به مدرسه داده اند ۲۰۰ هزار

تومان بوده، در حالیکه ما سه میلیون فقط برای تعمیر شوفاژ دادیم، شما راضی می شدید بچه هاتون بیان تو زمستان بدون هیچ وسیله گرمایشی در کلاس بنشینند؟ ما هم که نداریم از جیب خودمون هزینه کنیم، سال گذشته این مدرسه ۱۵ میلیون هزینه داشته، در حالیکه کل پولی که به ما بابت هزینه ها دادن ۲۰۰ هزار تومان بوده، شما بگید ما چکار کنیم؟

خانمی چادری که وسط دفتر سر پا ایستاده است با چشمانی نگران و کنجکاو گفتگوی مرد سبزه رو با معاون را دنبال می کند.

مدیر از او می خواهد که بنشینند اما او اصلا صدای مدیر را نمی شنود و با چهره ای که غم و نگرانی عمیقی را می توان به وضوح در آن دید، همه حواسش به گفتگوی معاون و ارباب رجوعش است.

کاملاً پیداست که او نیز مشکل مرد جوگندمی را داشته و قادر به پرداخت هزینه ۲۵۰ هزار تومانی ثبت نام نیست. بعد از توضیحات معاون غم بیشتری بر چهره مرد سبزه رو نشست.

شاید تا اون موقع فکر می کرد که مدرسه دست بالا را گرفته که حد متوسطی از هزینه ثبت نام از او بگیرد.

اما وقتی حساب و کتاب معاون

را شنید فهمید که ماجرا جدی است و او چاره ای جز پرداختن کردن چنین مبلغی ندارد. شروع کرد به چانه زنی. «ندارم، کارکرم، دستم خالی».

نگاهم به جوانک افتاد، سرش در این لحظات کاملاً پایین بود، نگاهش روی پیراهنش ثابت شده بود. صدای مرد سبزه رو در این لحظات پایین آمده بود، انگار صدایش از ته چاهی عمیق در می آمد. «ندارم والله، وگرنه من از خدایم به مدرسه پسر کم کم کنم».

نگاهم را مرد گرفتم و از دفتر خارج شدم تا نگاه شرمندگی اش را صد چندان نکند. رفتم تا دقایقی بعد پیامم تا دیگر شکسته شدنش را نیستم. رفتم تا به این بیندیشم که چرا مدرسه ما محتاج کسی است که خود محتاج ۲۵۰ هزار تومان است؟ نیم ساعت بعد برگشتم. وقتی پا را به درون دفتر گذاشتم سر جا خشکم زد، مرد با جوانکش هنوز آنجا بود، سرش را پایین انداخته و در سکوتی سنگین نشسته بود، غم سنگینی بر دلم نشست.

غمی به اندازه شرمندگی پدری زحمت کش در برابر فرزندش فقط بخاطر ۲۵۰ هزار تومان.

سکاس دوم

۲۹ خرداد ۱۳۹۶

مدارس حق دریافت وجه هنگام ثبت نام را ندارند

معلوم است که بودجه در نظر گرفته شده بر اساس عملکرد نیست و کسری دارد.

مدرسه حق دریافت وجهی را از اولیاء ندارد

دولت هم سرانه ای اندک در حد صفر به مدرسه اختصاص می دهد؛ مدرسه چه کند؟ اولیایی که ندارند چه کنند؟ و سوال آخر این که چه کسی دقیقاً پاسخگوست؟ آیا گوش شنوایی برای شنیدن چنین حرف هایی هست؟

سکاس سوم

زمانی در آینده

دختر و پسر زورگیر در غرب تهران دستگیر شدند. چند سوال؟ بیک - مدرسه چگونه با سرانه ای ۲۰۰ هزار تومانی مدرسه ای را اداره کند که ۱۵ میلیون تومان خرج دارد؟

دو- وقتی مسوولین می دانند وضع سرانه مدرسه اینچنین است چگونه در بوق کرنا می دمند که مدرسه حق دریافت هیچ وجهی را از اولیاء دانش آموزان ندارد؟

سه- عدم حمایت از شهروندانی که به دلیل مشکلات مالی از تحصیل بازمانده و وارد خیابان می شوند، بی آنکه توان کافی برای ورود موفق و سالم به جامعه را داشته باشند، چقدر در روی آوردن این افراد به اعمال خلاف قانون موثر است؟

آیا خود ما نیستیم که جوانان را به طرف بزه کاری سوق می دهیم؟ برگرفته از سایت

اتحادیه آزاد کارگران ایران

سخنگوی کمیسیون آموزش مجلس گفت: هیچ مدرسه دولتی حق دریافت وجه اجباری هنگام ثبت نام دانش آموزان در مدارس را ندارد.

خبرگزاری فارس: میرحمایت میرزاده سخنگوی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی در خصوص «دریافت وجه از دانش آموزان هنگام ثبت نام در مدارس» اظهار داشت: کمک مردم به مدارس منع قانونی ندارد و مردم نیز تاکنون به مدارس کمک کرده اند.

وی ادامه داد: از آن طرف نیز هیچ مدرسه دولتی نیز حق دریافت وجه اجباری هنگام ثبت نام دانش آموزان در مدارس را ندارد. سخنگوی کمیسیون آموزش مجلس افزود: آموزش و پرورش بازرسانی در این خصوص قرار داده است و ادارات آموزش و پرورش نیز شماره تلفن هایی را اعلام کرده و در مدارس نصب کرده اند.

میرزاده تاکید کرد: اولیای دانش آموزان اگر مشاهده می کنند که در مدارسی بر خلاف قانون و از روی اجبار از آنها وجهی دریافت می شود، با این شماره ها تماس گرفته و یا به بازرسی مراجعه کنند.

وی با بیان این که این موضوعی نیست که نیاز به ورود مجلس و وضع قانون داشته باشد، گفت: بودجه ای که برای آموزش و پرورش بسته می شود مشکل آموزش و پرورش را حل نمی کند و از ابتدا

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخوایسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح دست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

کله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

کولشان را نخوریم، ارا حیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!



کلیه کارگران و معلمان و پرستاران باید به استخدام رسمی در آیند!

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!